

شرح احوال جلال اسیر ومعرفی گلشن معانی مہتاب رای

دکتر محمد صابر

استاد یار، گروہ فارسی، دانشگاه پنجاب، لاہور

جاوید اقبال

دانشجوی دورہ دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب، لاہور

GULSHAN- E- MAA'ANI MEHTAB ROI'S COMMENTARY ON JALAL

Muhammad Sabir, PhD

Assistant Professor of Persian

University Oriental College, Lahore

Javed Iqbal

PhD Scholar (Persian)

University Oriental College, Lahore

Abstract

Jalal Aseer was a renowned poet of Iran of the eleventh century. He lived in the province of Isfahan. His wife Malik un Nisa Begum was the daughter of King Abbas, the first. He was the pupil of Fasihi Hirvi. He was widely respected by the poet fraternity of his time. Mostly he wrote glorifying verses on the House of the Holy Prophet (PBUH). He wrote a diwan of which Mehtab Roy wrote a commentary with the name of Gulshan-e-Ma'ani. Two copies of its manuscript are available with the central library of the University of the Punjab, Lahore.

Keywords: لاہور، جلال اسیر، گلشن معانی، مہتاب رای، شاعر،

شرح دیوان، ایران، شاہ عباس، اصفہانی، میرزا جلال

میرزا جلال الدین محمد اسیر یکی از بزرگترین و معروفترین شعرای زبان فارسی ایران قرن یازدهم هجری قمری از دوره صفوی بوده است و بهگفته دکتر ذبیح الله صفا در سال ۱۰۲۹ هجری قمری چشم به جهان گشود.

وی فرزندی ارشد میرزا مومن شهرستانی اصفهانی بود و خانواده اش در شهرستان یکمی از توابع اصفهان به بزرگی و پاکی شهرت یافتند (نصر آبادی، ۹۵؛ آزاد بلگرامی، ۵۳). همه محققان و تذکره نویسان بر آن هستند که وی در اصفهان چشم به جهان گشود و همانجا پرورش یافت و بزرگ شد و از آغاز جوانی با علم و دانش رغبت داشت و در مجالس اهل علم و ادب می نشست (گوپاموی، ۲۷). وی شاگرد فصیحی هروی بود و مرتبه والای استاد خود را در سخنوری بدین گونه نشان داده است.

آنمان که مسست فیض بهارند چون اسیر

ته جرعه ای ز جام فصیحی کشیده اند

(صفا، ۵/۱۲۱۳)

اسیر یکی از دختران شاه عباس اول (حک: ۹۹۲-۱۰۳۸ ق) به نام ملک نسا بیگم را به عقد خود در آورد (پناهی، ۴۱۹؛ سنبللی، ۴۱) و پس از مرگ شاه عباس و جلوس نوه اش شاه صفی (حک: ۱۰۳۸-۱۰۵۲ ق) وی ایام سختی را سپری کرد، زیرا که شاه صفی دستور داده بود تا مدتی از همسرش جدا زندگی کند. شاه صفی چندی بعد که گروهی از وابستگان به دربار و شاهزادگان را سرکوب کرد و اسیر را نیز بی بهره نگذاشت (پناهی، ۴۱۹) و بیشتر محققان بر آن هستند که وی تخلص "اسیر" برای خود از همان زمان برگزید.

بیشتر اوقات میرزا جلال الدین اسیر به همنشینی با شاعران

زمان خموشی سپری می شد. او به می گساری عشق وافر داشت. چنان که سرانجام سبب مرگ زود رس او شد (آزاد بلگرامی، ۵۳؛ صفا، ۵/۱۲۱۴) و بگفته آزاد بلگرامی و قدرت الله گویاموی وی در سال ۱۰۴۹ هجری قمری این دنیای فانی را برای همیشه خدا حافظی گفت و بگفته دکتر ذبیح الله صفا که مختلف محققان تاریخ وفات وی مختلف یعنی ۱۰۴۰، ۱۰۴۹ و ۱۰۲۹ اق نوشته اند.

مقام بلند اجتماعی میرزا جلال و انتسابش به خاندان شاهی و ذوق ادبی و هنری وی مایه آن بود که محفل او محل اجتماع اهل ادب و سخنوری گردد و بزرگانی چون کلیم کاشانی و میرزا صائب وی را در سخنان خود بستانند. مثلاً ابو طالب کلیم کاشانی در باره اش چنین گفت :

میرزای ما جلال الدین بس است
از سخن سنجان طلبگار سخن
راستی طبعش استاد منست
کج نهیم بر فرق دستار سخن

(آزاد بلگرامی، ۵۳، صفا، ۱۲۱۵)

صائب تبریزی و اسیر به یکدیگر با نظر احترام می نگریستند. صائب تبریزی به تکرار سخن اسیر را تضمین کرد و نیز درباره آن شاعر باریک اندیش و تتبع سخن او چنین می گوید:

خوشا کسی که چو صائب ز صاحبان سخن
تتبع سخن میرزا جلال کند
(همانجا)

هنر اصلی میرزا جلال الدین اسیر همانند سایر شعرای سبک

همندی در غزل سرایی اوست (شفیعی کدکنی، ۸۴۲؛ صفا، گنج سخن، ۱۰۲/۳). در قصاید اسیر بیشتر ذکر مناقب خاندان رسول است، با وجود این که اسیر هیچ گاه به شبهه قاره سفر نکرد (سرخوش، ۳). سبک او در هندوستان از اوایل قرن دوازدهم به بعد طرفداران بسیاری پیدا کرد (شفیعی کدکنی، ۸۴۲؛ صفا، گنج سخن، ۱۰۲/۳) و بیشتر خوانندگان شعر او ساکن آن خطه بودند (شمیسا، ۲۹۳). اقبال عمومی از دیوان اسیر در هند و پیروی شعرای سبک هندی سده ۱۲ق از او در آن دیار، دلایل شهرت و اعتبار میرزا جلال در دوره حیات وی و پس از مرگش بوده است (صفا، گنج سخن، ۱۰۲/۳).

چمن طبیعت اسیر چون طبیعت چمن، فرح بخش دلها است و بهار سخنش چون سخن بهار، راحت پیرای جانها، معنی باریکش بر آسمان الفاظ برجسته، به رنگ هلال گوشه ابروی از دور می نماید و عروس فکرش نقد هوش را از مشتریان بازار سخن به بیعانگی می رباید. بانی بنیاد خیال بندی است و خیال بنان زمان حال را به پیروی او، سر افتخار بلند است. اگرچه طرز خیال به ندرت از قدیم است (لودی، ص ۲۱). از آثارش یک دیوان است که نسخه های خطی وی در کتابخانه های مختلف موجودند و به خصوص حدوداً ۳۰ نسخه در کتابخانه های مختلف پاکستان نگهداری می شوند (منزوی، ۸۴۱/۴ - ۸۴۲) و نیز در برخی کتابخانه های ایران و اروپا نسخه های از آن وجود دارند (منزوی، فهرست نسخه های خطی فارسی، ۲۲۲۵/۳؛ صفا، ۱۲۱۴/۵). وی در قالبهای قصیده، غزل، مثنوی، قطعه، ترجیع بند، ترکیب بند و رباعی شعر سروده است. (نصرآبادی، ۹۲)

سه شرح فارسی دیوان اسیر نوشته شده است که یکی شرح که

نویسنده اش نامشعنا س است و آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب، لاهور در مجموعه شیرانی با شماره ۱/۱۴۹۲/۲۸۱۲ نگهداری می شود و آغاز و انجام آن افتاده است (بشیر حسین، ۲/۴۴۱).

دومین شرح از معجز کابلی (م: ۱۱۲۰ یا ۱۱۲۲ ق/۴ یا ۴۹۹ م) است که در کتابخانه گنج بخش، اسلام آباد با شماره ۹۰۴۲ با مهر کنده ۱۱۵۹ هـ نگهداری می شود (منزوی، ۴/۴۲۲).

سومین شرح به نام "گلشن معانی" از مهتاب رای است که مهتاب رای شماگرد مولوی محمد منیر بوده و استادش هر چه به وی توضیح می داد، آنان را گرد می آورد و در آن برخی افزودگیها از سوی خود ساخته است. دو نسخه خطی "گلشن معانی" در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب، لاهور در مجموعه شیرانی نگهداری می شوند. از آنها یکی با شماره ۴۴۴۳/۴۴۰ نگهداری می شود که نوشته سید سجاد علی است و آن را در سال ۱۸ ذی قعدة ۱۱۲۵ ق نوشته است. و نسخه دیگری با شماره ۲۸۴۲/۸۰۹ نگهداری می شود که در سده ۱۳ ق نوشته شده است.

نسخه خطی دوم ناقص الآخر است تقریباً ۲۲ برگ از آخرش افتاده است و هر صفحه ۱۳ سطر دارد. نسخه اولی کامل است و از بعضی جا کرم خورده است. اما خواندنی است و هر صفحه این نسخه خطی ۵ سطر دارد.

زبان مهتاب ساده، آسان و روان است و زود فهم است و در بعضی جا عبارات عربی نیز بکار برده است. ترتیب سر غزل هر ردیف این نسخه به طرز لغت بر حروف تهجی گذاشته شده است. آغاز نسخه خطی:

بعد توحید خداوند و درود مصطفی
نعت آل پاک پیغمبر رسول مجتبی

خوشه چین خرمن ارباب سخن بنده مهتاب رای بر رای فیض
 پیرای صرافان نقود معانی و جوهریان لالی الفاظ و مبانی مبرهن و مبین
 می گرداند که چون بیان دقایق مضامین اشعار زبده اهل کمال میرزا جلال
 نورالله مضجعه بر طبع صاحبان سخن اشکال تمام داشت و این نیاز منذ
 درگاه الهی را به سهولت و آسانی از زبان معجز بیان حضرت مولوی
 محمد منیر صاحب مدظله و دام فیضه که کمالات ذات فیض آیات آن
 گنجینه علم و فضل مستغنی التعریف والتوصیف است، به گوش رسید.
 از آنجا که طایر بلبل پرواز مضامینش و حشی تراز غزال چشم خویان
 است. اصلاً شکار چرگه حافظه نمی شد. لهذا برای خاطر برادر عزیز
 شتاب رای از رشته عبارت و نقوش کتابت دامی مهیا ساخته، به قید اقتدار
 در آورد تا طالعیان کسب کمال نیز فایده وافر بر دارند و این احقر را به
 دعای خیر یاد کنند و من الله التوفیق والاستعانت. اگر سهوی و خطایی به
 مقتضای بشری که الانسان مرکب من الخطاء والنسیان واقع شده باشد،
 به نظر اصلاح کوشند

انجام نسخه خطی:

..... غزل: زلف را چند پریشان.

قوله: باغبان بلبل: ای باغبان بلبل آشفته افتاده است مگر آن
 وقت صحبت رو دهد که از غنچه روغن با دام کشیده، بکارش بری.
 قوله: ترك مطلب یعنی به حسب ظاهر ابرام کن. اما از دل در پی
 ترك مطلب باش که عجب لذتی دارد.

ترقیمه: تمام شد شرح دیوان جلال اسیر ۱۸ ذیقعد ۱۱۴۵ هـ، نوشته
 شد از فضل الهی کاتبه سید سجاد علی.

☆☆☆☆☆

منابع و مأخذ

- آزاد بلگرامی، مولانا میر غلام علی، مآثر الکرام موسوم به سرور آزاد؛ کتب خانه آصفیه، حیدرآباد دکن، ۱۹۱۲م.
- بشیر حسین، محمد، دکتر، فهرست مخطوطات شیرانی؛ اداره تحقیقات پاکستان دانشگاه پنجاب، لاهور، ۱۹۷۳م.
- پناهی، ثریا، دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره؛ زیر نظر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۴ش.
- سرخوش، محمد افضل، کلمات الشعرا؛ به تصحیح صادق علی دلاوری، لاهور، ۱۹۴۲م.
- سنبهلی، میر حسین دوست، تذکره حسینی، نولکشور، لکهنو، ۱۲۹۲ق.
- شفیععی کدکمی، محمد رضا، منتخب غزلهای مرزا جلال اسیر اصفهانی، مجله سخن؛ دوره نوزدهم، ۱۳۴۸ش.
- شمیسا، سروش، سبک شعر شناسی؛ انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۸۰ش.
- صفا، ذبیح الله، دکتر، تاریخ ادبیات در ایران؛ انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۷۱ش.
- همو، گنج سخن؛ انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۷۴ش.
- گوپاموی، محمد قدرت الله، تذکره نتایج الافکار؛ انتشارات اردشیر بنشاهی، بمبئی، ۱۳۲۲ش.
- لودی، امیر شیر علی خان، تذکره مرآة الخیال؛ به اهتمام حمید حسنی و با همکاری بهروز صفرزاده، روزنه، تهران، ۱۳۷۷ش.

- مننزی ، احمد ، فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان ؛ مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ، اسلام آباد ، ۱۹۹۷م .
- همو ، فهرست نسخه های خطی فارسی ؛ موسسه فرهنگی منطقه یی ، تهران ، ۱۳۵۳ش .
- مهتاب رای ، گلشن معانی ، شرح دیوان جلال اسیر ؛ نسخه خطی ، دانشگاه پنجاب لاهور ، مجموعه شیرانی ، شماره ۴۰/۳۷۷۳ .
- همو ، همان ، شماره ۸۰۹/۳۸۴۲ .
- نصر آبادی ، میرزا محمد طاهر ، تذکره نصر آبادی ؛ تصحیح محسن ناجی نصر آبادی ، انتشارات اساطیر ، تهران ، ۱۳۷۸ش .

